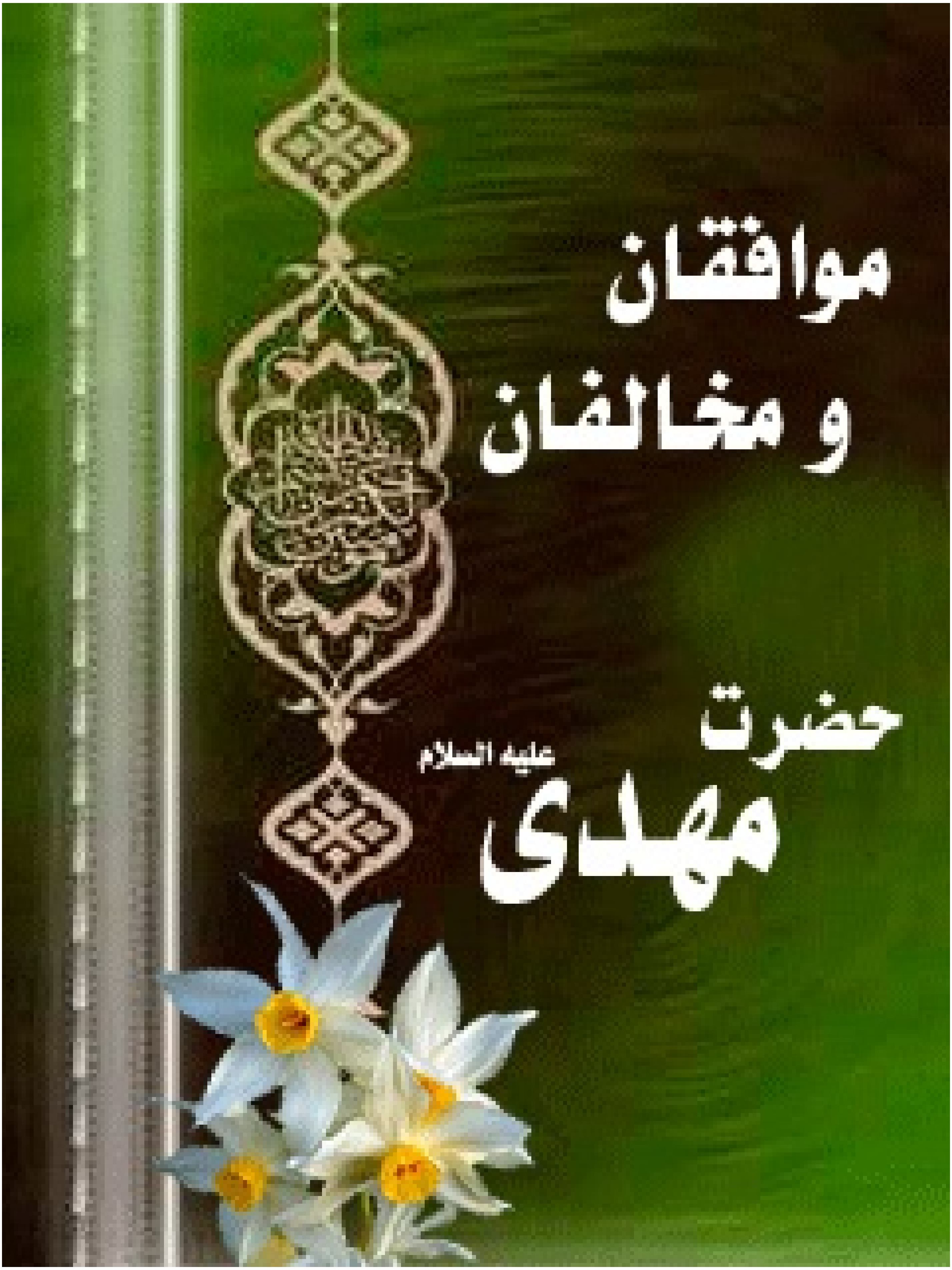

موافقان
و مخالفان
حضرت
مهدی علیه السلام

بسم الله الرحمن الرحیم

موافقان و مخالفان حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

نویسنده:

عباس رضوی

ناشر چاپی:

مجله حوزه

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

موافقان و مخالفان حضرت مهدی علیه السلام

مشخصات کتاب

شماره کتابشناسی ملی : ایران ۷۴-۱۹۸۲۶

عنوان و نام پدیدآور : موافقان و مخالفان مهدی علیه السلام / رضوی ، عباس

منشا مقاله : مجله حوزه ، سال ۱۲، ش ۴، ۵، (مهر دی ۱۳۷۴): ص ۲۹۳ ۳۲۴

توصیفگر : شیعیان

توصیفگر : مهدویت

توصیفگر : (م ح م د)بن حسن (عج)، امام دوازدهم

مقدمه

انقلابها، هرچه با عظمت باشند، دوستان و دشمنان بیشتری دارند. نهضتهای توحیدی، شکوهمندترین حرکت تاریخ بوده و جریانهای موافق و مخالف نیرومندی داشته اند.

بازتاب نهضت مهدی، بیش از نهضتهای رهایی بخش پیشین خواهد بود. آرمانهای بلند، شرک ستیزی و عدالت گستری بی مرز و جهان شمول آن، هم شور در دل مردمان محروم خواهد آفرید و هم دشمنان توحید و عدل را بر خواهد انگیخت.

آن فرشته رحمت و غضب، همان گونه که دوستانی یکدل و با صفا در کنار دارد، دشمنانی کینه ورز و خطرناکی نیز در برابر خواهد داشت. باید دید همراهان حضرت کیانند، شمارشان چند است و خواستگاه اجتماعیشان کدام است و چه نقشی در پیشبرد نهضت دارند. دشمنان را در کدامین جناح و خط فکری باید جست و جو کرد و شیوه برخورد امام، با مخالفان چگونه خواهد بود.

شناخت معیارها و موازین یاران، ما را کمک خواهد کرد راه را بهتر شناخته و در صف منتظران با بصیرت قرار گیریم.

یاران امام

یاران امام، سنگهای زیرین انقلاب جهانی اند. همان گونه که پیامبر با همراهی مهاجران و انصار، رسالت شکوهمندش را به انجام رساند و علی (ع) با مجاهدات افسران رشیدش، حماسه های بزرگ آفرید، فریاد رس موعود نیز، با همکاری مردان نمونه و خود ساخته عدالت را به جهان باز خواهد آورد وراثت را به محرومان زمین خواهد بخشید.

منابع دینی ما، بر جایگاه والای آن جوانمردان اشارت ها دارد. [۱] امامان، همواره آرزومند همراهی آن حضرت بوده اند و

یاوری آن چهره پنهان کرده را به دوستان خویش، همه گاه، یادآوری می فرموده اند:

«خدایا، درود بفرست بر مولا و سرورم صاحب الزمان و

مرا از یاران و پیروان و حامیان او قرار داده و از آنان که در رکابش، شربت شهادت می نوشند، با شوق و رغبت بی هیچ گونه کراهت.» [۲].

عدد یاران، سیصد و سیزده نفر یاد شده است:

در موثقه مفضل بن عمر از امام صادق:

«کانی انظر الی القائم علی منبر الکوفه و حوله اصحابه ثلاث مائه و ثلاث عشر رجلا علی هذه اهل البدر.» [۳].

گویا می نگرم قائم را بر منبر کوفه و سیصد و سیزده نفر یارانش، که پیرامونش گرد آمده اند، به شمار اهل بدر.

این مضمون، به طور مستفیض از ائمه به ما رسیده است، از جمله: روایت محمد حنیفه از علی (ع) [۴] روایت عبدالاعلی [۵] و ابی الجارود [۶] و ابی بصیر از امام باقر [۷] و روایت ابی خالد [۸] و ابن حضرمی [۹] و ابان بن تغلب [۱۰] و مفضل بن عمرو [۱۱] از امام صادق و...

در متون عامه نیز، در عدد یاران مهدی، شمار یاد شده، بارها و بارها یاد شده است، از جمله: روایت ام سلمه از پیامبر [۱۲] و روایت سیوطی از امام باقر (ع). [۱۳].

محمد حنیفه از علی (ع). [۱۴] روایت عبدالاعلی [۱۵] و ابی الجارود [۱۶] و ابی بصیر از امام باقر [۱۷] و روایت ابی خالد [۱۸] و ابن حضرمی [۱۹] و ابان بن تغلب [۲۰] و مفضل بن عمرو [۲۱] از امام صادق و...

متون عامه نیز، در عدد یاران مهدی، شمار یاد شده، بارها و بارها یاد شده است، از جمله: روایت ام سلمه از پیامبر [۲۲] و روایت سیوطی از امام باقر (ع) [۲۳].

در برخی از روایات، یاران مهدی ده هزار نفر

یاد شده و تا آنان گرد نیایند قیام صورت نمی گیرد.

در صحیحه ابی بصیر از امام صادق:

«لا یخرج القائم (ع) حتی یکون تکلمه الحلقه. قلت: کم تکلمه الحلقه. قال: عشره آلاف.» [۲۴].

تا حلقه کامل نگردد، قائم خروج نمی کند.

گفتم: کامل شدن حلقه به چند است؟

فرمود: ده هزار نفر.

در روایات دیگر، به جای کامل شدن حلقه، از کامل شدن «العقد» [۲۵] و «فئه» [۲۶] سخن به میان آمده است که با گرد آمدن ده هزار نفر تکمیل می شوند.

در نقلهای دیگر، از شمار کمتر و در برخی فزونتر از پیش نیز، یاد شده است.

از جمله، ابن رزین غافقی از علی (ع) روایت می کند.

«مهدی، در میان دوازده تا پانزده هزار یاور قیام خواهد کرد.» [۲۷].

در روایت ابن مسعود، شمار بیعت کنندگان، بیش از پنج هزار نفر ذکر شده است. [۲۸].

در احادیث دیگر به توده های انبوهی اشاره شده است که از نقاط گوناگون جهان، بویژه مشرق زمین به کمک امام می شتابند. [۲۹].

چه بسا بشود گفت: سه دسته گزارشهای یاد شده، با یکدیگر تعارض ندارند، بلکه در طول یکدیگرند. در مجموع، نشانگر سیر تشکل یارانند. سیصد و سیزده نفر نخستین گروندگان هستند که در انتظار ظهور موعود در مکه بوده اند. با گرد آمدن این گروه، دعوت آغاز می شود، پس از انتشار خبر و گزارش آن به محرمان، ده یا دوازده هزار نفر، که ستونهای اصلی نیروهای انقلاب را تشکیل می دهند، به سرعت به امام می پیوندند. با اجتماع آنان، پاکسازی حجاز آغاز می شود. در ادامه نهضت، توده های انبوه، از سراسر جهان، به حضرت می پیوندند و درگیری بزرگ و خونبار

با مستکبران شروع می شود.

امام صادق (ع) می فرماید:

«سیصد و سیزده نفر یاران با او بیعت می کنند. او تا هنگام کامل شدن ده هزار نفر در مکه اقامت کرده سپس رهسپار مدینه می گردد.» [۳۰].

امام صادق علیه السلام در پاسخ شخصی که گمان می برد، یاران مهدی تنها اندک شمارند و حضرت، تنها با نیروی آنان، به اصلاح جهان خواهد کوشید، فرمود خروج مهدی به فراهم شدن امکانات بستگی دارد:

«عن ابی بصیر قال سال رجل من اهل الکوفه ابا عبدالله علیه السلام کم یخرج مع القائم علیه السلام فانهم یقولون انه یخرج معه مثل عده اهل بدر ثلاثمائه و ثلاثه عشر رجل.» قال: و ما یخرج الا فی اولی القوه و ما یکون اولی القوه اقل من عشره آلاف.» [۳۱].

مردی از کوفیان، از امام صادق پرسید: همراهان قائم چند نفرند؟ مردم می گویند: بمانند اهل بدر، سیصد و سیزده نفر بیش نیستند.

فرمود: جز به همراهی افراد قدرتمند قیام نکند، آنان هم، کمتر از ده هزار نفر نباشند. علامه مجلسی، همین معنی را از روایات استنباط کرده و می نویسد: «یاران مهدی، منحصر به سیصد و سیزده نفر نیستند، بلکه این شمار یارانی هستند که حضرت به کمک آنان حرکت را آغاز می کند.» [۳۲].

شاهد بر مطلب این که در برخی از روایات، به جای «اصحابه» «من اصحابه» [۳۳] آمده که نشان می دهد شمار یاد شده، طلایه یاران امام را تشکیل می دهند که خود را به حضرت می رسانند و نهضت را می آغازند و در مقابل دشمنان مکی، به دفاع از آقا می پردازند. [۳۴].

احتمال می رود این گروه اندک، فرماندهان و

وزیران امام باشـند که در آغاز هسته های اصلی نیروها را بر عهده دارند و پس از پیروزی، برای ارشاد و دادرسی و کارگزاری به سرزمینهای دور و نزدیک فرستاده می شوند.

امام صادق می فرماید:

«گویـا می نگرم به قائم بر فراز منبر کوفه، یارانش در پیرامون او حلقه زده انـد. آنان پرچمـداران لشـکرها و کارگزاران امام بر روی زمین هستند. [۳۵].

از این گروه، به «نقباء، «خواص» و «ذخر الله» تعبیر شده است. [۳۶].

پاورقی

[۱] «بحارالانوار»، علامه مجلسی، ج ۵۲: ۱۲۵. مؤسسه الوفاء بیروت.

[۲] «مفاتیح الجنان»، شیخ عباس قمی، ترجمه الهی قمشه ای: ۹۸۸ انتشارات علمی.

[۳] «کمال الدین و تمام النعمه»، شیخ صدوق، ج ۲: ۶۷۲، انتشارات اسلامی، وابسته به جامعه مدرسین.

[۴] «منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر»، لطف الله صافی: ۱۶۶، داوری، قم.

[۵] «بحارالانوار»، ج ۵۲: ۳۴۱.

[۶] «الغیبه»، نعمانی: ۳۱۵، صدوق، تهران.

[۷] «الغیبه»، نعمانی: ۳۱۵، صدوق، تهران.

[۸] «بحارالانوار»، ج ۵۱: ۵۶.

[۹] «کفایه الاثر فی النص علی الائمه الاثنی عشر»، ابن خزاز قمی: ۲۶۳، بیدار، قم.

[۱۰] «الغیبه» نعمانی: ۳۱۵.

[۱۱] «کمال الدین و تمام النعمه»: ۶۷۲.

[۱۲] «مجمع الزوائد و منبع الفوائد»، نورالدین هیثمی: ۱۱۹ چاپ شده در الموسوعه الامام المهدی،

ج ۱، مکتبه الامام امیرالمؤمنین.

[۱۳] «الحاوی للفتاوی سیوطی»، ج ۲: ۱۵۰، چاپ شده در «الموسوعه...».

[۱۴] «منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر»، لطف الله صافی: ۱۶۶، داوری قم.

[۱۵] «بحار الانوار»، ج ۵۲: ۳۴۱.

[۱۶] «الغیبه»، نعمانی: ۳۱۵، صدوق تهران.

[۱۷] «الغیبه»، نعمانی: ۳۱۵، صدوق تهران.

[۱۸] «بحارالانوار»، ج ۵۱: ۵۶.

[۱۹] «کفایه الاثر فی النص علی الائمه الاثنی عشر»، ابن خزاز قمی: ۲۶۳، بیدار قم.

[۲۰] «الغیبه»، نعمانی: ۳۱۵.

[۲۱] «اکمال الدین و تمام النعمه»: ۶۷۲.

[۲۲] «مجمع الزوائد و منبع الفوائد»، نورالدین هیثمی: ۱۱۹ چاپ شده

در الموسوعه الامام المهدی، ج ۱، مکتبه الامام امیرالمؤ منین.

[۲۳] «الحاوی للفتاوی سیوطی»، ج ۲: ۱۵۰، چاپ شده در «الموسوعه...».

[۲۴] «الغیبه»، نعمانی: ۳۰۷.

[۲۵] «بحارالانوار»، ج ۵۱: ۱۵۷.

[۲۶] تفسیر نور الثقلین»، محدث عبد علی الحویزی، ج ۱: ۲۴۹، علمیه.

[۲۷] «الملاحم و الفتن»، سید بن طاووس: ۶۵، مؤ سسه الوفاء، بیروت.

[۲۸] «الحاوی للتفاوی»، ج ۲: ۱۵۳.

[۲۹] «بحارالانوار»، ج ۶۰: ۳۱۶.

[۳۰] «ارشاد»، شیخ مفید ج ۲: ۳۸۳، چاپ شده در «مصنفات شیخ مفید»، ج ۱۱، کنگره هزاره شیخ مفید.

[۳۱] «کمال الدین»،: ۲: ۶۵۴.

[۳۲] «بحارالانوار»، ج ۵۲: ۳۲۳.

[۳۳] «کفاید الاثر فی النص علی الائمه الاثنی عشر»: ۲۷۸ - ۲۷۹.

[۳۴] «کفایه الاثر فی النص علی الائمه الاثنی عشر»: ۲۷۸ - ۲۷۹.

[۳۵] «کمال الدین»: ۶۷۳.

[۳۶] «بحارالانوار»، ج ۵۳: ۷.

خاستگاه یاران

یاران مهدی، از صنف و نژاد ویژه ای نیستند، بلکه از گروهها و نژادهای گوناگون و از سرتاسر جهان هستند. مردمی که به یاری امام می شتابند، «من اقالیم الارض» «من اقصی البلادند.» در این حرکت عظیم، مردمان عجم، نقش پر اهمیتی در خدمتگزاری امام بر عهده دارند. [۱].

حضرت در سن جوانان ظاهر می شود. یاران وی را نیز، بیشتر جوانان پر تحرک و پر نشاط تشکیل می دهند و پیران در میانشان اندک شمارند:

«ان اصحاب القائم شباب لا کهل معهم الا کالکحل فی العین او کالملح فی الزاد واقل الزاد الملح.» [۲].

یاران قائم، جوانانند و پیران اندک بسان سرمه در چشم یا نمک در طعام و کمترین چیز در غذا نمک است.

این جوانانند که با شنیدن خبر ظهور امام، شبانه حرکت می کنند. رخت استراحت در هم می پیچند، شتابان راه حجاز پیش می گیرند و به حضرت می پیوندند. زنان

نیز، در این نهضت بزرگ جایگاه شکوهمندی دارند و در همه مراحل انقلاب حضور فعال خواهند داشت. زنان در تهیه مقدمات حرکت، شرکت دارند پس از پیروزی، در اداره کارها، به امام کمک می کنند

امام باقر می فرماید:

«و یجئی والله ثلاث مائه و بضعه عشر رجلا فیهم خمسون امرئه یجتمعون علی غیر میعاد» [۳].

سوگند به خدا، سیصد و اندی نفر، بدون وعده پیشین گرد می آیند در میان آنان پنجاه زن است.

وجود زنان در میان خواص و وزیران مهدی، نشانگر اوج و عظمت والای بانوان در انقلاب جهانی است. کلمه «رجل» که در روایات به کار رفته علامت تغلیب است، نه حصر. در روایات عامه نیز از وجود زنان در نهضت مهدی یاد شده است. [۴].

پاورقی

[۱] «ینابیع الموده»، الحافظ سلیمان بن ابراهیم القندوزی: ۴۴۹، بصیرتی، قم؛ «الغیبه»، نعمانی: ۳۱۵.

[۲] «الغیبه»، نعمانی: ۳۱۶.

[۳] «بحارالانوار»، ۵۲: ۲۲۳.

[۴] «الحاوی للفتاوی»، ج ۲: ۱۳۴.

گزینش یاران

همه انبیاء و مصلحان الهی، هسته های اصلی نهضت خویش را با آزمایش برگزیده اند؛ چرا که راه دشوار است و آمیخته با رنجها و بدون داشتن یارانی یارانی آب دیده، سرد و گرم چشیده، فداکار و با وفا، نمی توان خطر کرد. یاران بی وفا و نامطمئن، نه تنها حرکت را به جلو نمی برند که آن را به شکست خواهند کشاند.

طالوت، که در روایات، یاران مهدی به یاران او تشبیه شده اند، در نبرد با جالوت، لشکریانش را با تشنگی آزمود. تن پروران و ناشکیبایان نظم را بر هم زدند، حریصانه به آب افتادند، ولی صبور مردان از آن لب تر نکردند. از این راه، روشن شد که گروه نخست ارزش و

توان همراهی با طالوت را ندارند و سرانجام، در رویارویی با سپاه دشمن، وحشت آنان را فرا گرفت و از جنگیدن، باز ماندند، ولی گروه دوم که ایمان فکری و بصیرت واقعی داشتند، همه پیروزی را در اختیار خدا دیدند و صبورانه مقاومت ورزیدند.

یاران مهدی نیز، برای رسیدن به درجه شایستگی هم رهی، از غربال های گونه گون گذر داده می شوند و پس از پیمودن مراحل دشوار، به قله رفیع «نصرت» بالا می روند.

راز نزدیک شدن به امام، نه خویشاوندی، که کامیابی در آزمونهای الهی است. پاره ای از آزمایشها، پیش از قیام صورت می گیرد و پاره ای پس از آن. طولانی شدن غیبت، فتنه ها، فریبندگی ها، افکار باطل، جاه و مقام، جلوه فروشان، محراب داران، دین به دنیا فروشان عالم نمایان و... بسیاری از منتظران را از راه باز می دارند مگر آنان را که خدا راه نماید. عاشقان راستین،

چنگ زنندگان به ولایت، جهادگران در راه خدا، مخلصان و بریدگان از دنیای دنی.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«دوران غیبت قائم، چنان به درازا خواهد کشید، تا حق در خلوص خود رخ نماید و ایمانهای خالص از ناخالص، جدا شود، کسانی که سرشت ناپاک داشته و ترس آن است که به هنگام پیروزی دولت قائم،منافقانه خود را در صف مؤ منان جای دهند، پیش از قیام مهدی از آن جدا شوند.» [۱].

به میزان درجات ایمان و گذر از آزمونها متمایز می شوند و به میزان مایه های ایمانی، درباری امام، بر یکدیگر پیشی می جویند.

به فرموده امام صادق:

«منهم من یفقد عن فراشه لیلا فیصبح بمکه و منهم یری یسیر فی السحاب

نهارا... قلت جعلت فداک ایهم اعظم ایمانا؟ قال: الذی یسیر فی السحاب نهارا...» [۲].

در وقت ظهور، برخی یاران شب در بستر ناپدید می شدند و فردای آن در مکه اند و گروهی، روز در آسمان ره می سپارند. گفتم: فدایت شوم کدام یک ایمانشان بیشتر است؟ فرمود: آن که در آسمان حرکت می کند.

پس از گرد آمدن نیروها، آزمونها، سخت تر می شود. امام، با آزمونهای جسمی و روانی، باورها را به آزمایش می گذارد. از جمله، همانند طالوت که سپاهیانش را با تشنگی آزمود، یاران امام نیز، با تشنگی امتحان خواهند شد. [۳].

فراتر از آن، امام بی پروا به باورهای خرافی و عوامانه حمله می برد و معارف به دور از دسترس و پوشانده شده در غبار فراموشی و رازناک را آشکار می سازد. در این تکانهای فکری، صاحبان بصیرت و معرفت، تزلزلی به خود راه نداده و استوار بر جای می مانند. ولی آنان که در باورهای خود، ناخالصی دارند و اندیشه را از سر سرچشمه نگرفته اند. و به جای شاهراه، به کوره راه رفته اند در حقانیت امام تردید کرده اند از پیرامون حضرت، پراکنده می شوند. در سخنرانی امام در مسجد کوفه [۴] تخریب دیوار مسجد پیامبر، تفاوتهای، فکری و بینش همراهان به بوته آزمایش در می آید و درجه و رتبه یاران در پیروی فرامین امام ارزیابی می شود. [۵].

پاورقی

[۱] «کمال الدین»: ۳۵۶.

[۲] «بحار الانوار»، ج ۵۲: ۳۵۶.

[۳] «الغیبه»، نعمانی: ۳۱۶.

[۴] «فروع الکافی»، کلینی، ج ۸: ۱۶۷.

[۵] «بحار الانوار»، ج ۵۲: ۳۸۶، به نقل از «سعد السعود» سیدبن طاووس.

ویژگیهای همراهان مهدی علیه السلام

در روایت فضیل بن یسار از امام صادق به اهم

صفات یاران مهدی اشاره شده است. ما در این فصل،از آن بهره می گیرم.

خداجویی

خداجویی و توحید، سرلوحه عقاید و خصال یاران مهدی است. آنان خدا را به شایستگی شناخته و همه وجودشان غرق جلوه نور ایزدی است. همه چیز را جوله او دیده و جز یاد او، سخن دیگران در نظرشان بی لطف و جاذبه است. غیب را چونان شهود دیده و از صفای روحانی عالم معنی نوش کرده اند. ایمانی خالصانه در سینه دارند که شک و تردید با آن بیگانه است [۱] در شناخت حقیقت، به مرتبه یقین رسیده اند و حقایق را بدون پرده مشاهده می کنند. [۲].

کمال معرفت و آشنایی با حقایق آنان را به مرحله عالی خشیت نائل کرده و از کوتاهی در انجام وظیفه، هراس دارند. زیرا آن کس که به خدا نزدیکتر است و به عزت و قدرت بی پایان او، بیشتر آگاهی دارد ترسش از خدا فزون تر است و در انجام وظیفه شکیباتر.

شوق دیدار محبوب، دلهایشان را به وجد آورده و در اشتیاق وصل او، شب و روز نمی شناسند.

امام صادق علیه السلام درباره اینان می فرماید:

«رجال کان قلوبهم زبر الحدید لایشوبها شک فی ذات الله... کالمصابیح کان قلوبهم القنادیل و هم من خشیه الله مشفقون یدعون بالشهاده یتمنون ان یقتلوا فی سبیل الله.» [۳].

مردانی که گویا دلهایشان پاره های آهن است. غبار تردید در ذات مقدس خدای، خاطرشان را نمی آلاید... همانند چراغهای فروزانند، گویا دلهایشان نور باران است. از ناخشنودی پروردگارشان هراس دارند. برای شهادت دعا می کنند و آرزومند کشته شدن در راه خدایند.

ام یر المومنان یاران مهدی را گنجهایی می

داند آکنده از معرفت خدایی.

«بخ بخ للطالقان فان الله تعالی که کنوز لیست من ذهب و لافضه ولکن بها رجال مومنون عرفوا الله حق معرفته و هم ایضا انصار المهدی فی آخر الزمان». [۴].

خوشا به حال طالقان که خدای بزرگ در آن گنجای نهفته دارد برتر از طلا و نقره. آن گنجها، مردانی مومناند که خدای را به شایستگی شناخته اند. آنان، یاران مهدی در آخر الزمان هستند.

پاورقی

[۱] «کمال الدین»، ج ۲: ۳۷۸.

[۲] «همان مدرک»، ج ۱: ۲۹۱.

[۳] «بحار الانوار»، ج ۵۲: ۳۰۸.

[۴] «ینابیع الموده»: ۴۴۹.

بصیرت و آگاهی

شناخت مقصد چراغ راه است، راه را بر رونده آشکار و آسان می سازد. در دو راهیها، او را از سرگردانی رهایی می بخشد. مردان حقیقت آشنا، از دوری راه، ناامید نمی گردند و در بحرانها، کمرخم نمی کنند. پیچ و خمهای زندگی و کژیها، آنان را به بیراهه نمی کشاند. چراغی فرا روی دارند و بردبارانه به سوی آن راه می گشایند. [۱].

علی علیه السلام رویارویی با فتنه های کور و رطه های هراس انگیز. چون جنگیدن با مسسلمانان بی شعور و جاهلان پینه بر پیشانی بسته را، نه در صلاحیت هر کس که در توان دلیر مردانی می بیند کار کشته و ژرف نگر، که در ظواهر درنگ کرده و از ورای همه موانع پایان را تماشا کنند و اسلام ناب محمدی را از اسلام ناخالص و شرک آلود متمایز سازند.

حضرت در آغاز درگیری با مسلمانان مقدس نمای پیمان شکن، خطاب به یاران، فرمود:

«و قد فتح باب الحرب بینکم و بین اهل القبله، و لایحمل هذا العلم الا اهل البصر و الصبر و العلم بمواقع الحق.» [۲].

میان

شما و اهل قبله در جنگ گشوده شد و این علم را برندارد مگر آن کس که بینا و شکیبا باشد و داناند که حق در کجا است.

یاران مهدی، در بصیرت، رایت و خردمندی سرآمدند. در فتنه هایی که زیرکان در آن فرو می مانند، هوشیارانه راه جویند و حق را از باطل باز شناسند.

چنان از جامهای حکمت سیرابند و آماده کار که:

«حتی اذا وافق القضاء انقطاع مده البلاء حملوا بصائرهم علی اسیافهم و دانوا لربهم بامر واعظهم» [۳].

چون فرمان خدا آزمایش را به سر آورد، شمیرها در راه حق آختند و بصیرتی را که در کار دین داشتند آشکار کردند. طاعت پروردگارشان را پذیرفتند و فرمان واعظشان را شنیدند.

بصیرت و آگاهی عمیق از هدفها و راهها و شناخت دوستان و دشمنان اسلام، سبب می شود که در احیای سنت و مبارزه با بدعت درنگ نکنند و در پی رسالت شرکت زدایی، به همراه امام خود، تبر بر دارند و بت شکنی کنند، پیرایه هایی که به اسم دین در ذهنا جای گرفته و با گذشت زمان مقدس یافته اند نابود سازند و اسلام را در صفا و خلوص نخستین خود عرضه بدارند.

پاورقی

[۱] «نهج البلاغه»، فیض اسلام، خطبه ۸۶.

[۲] «همان مدرک»، ترجمه دکتر شهیدی، خطبه ۱۷۳: ۱۷۹، انقلاب اسلامی.

[۳] «همان مدرک»، فیض الاسلام، خطبه ۱۵۰.

عبادت و بندگی

یاران مهدی، مردان عبادتند و نیایش، شیران روز و نیایش گران شب.

آن هم نه عبادتی عادت گونه و یا چون پرستش مزدوران و تاجران، بلکه نیایشی عارفانه و پاکبازانه، پیوند روح با ابدیت، عالی ترین عکس العمل سپاس گزارانه انسان در برابر خدا. عبادت آزادگان. نیایش پرجوش و خروش

و سیر و سلوک. روح بندگی و راز و نیاز با جانشان در هم آمیخته، همواره خود را در محضر خدا می بیند و از یاد او لحظه ای غفلت نمی ورزند. از ترس خداوند، نیمه شب، چونان مادران فرزند مرده می گریند. شب زنده داران و روزه داران. [۱].

به گفته فضیل بن یسار:

«رجال لاینامون اللیل لهم دوی فی صلاتهم کدوی النحل یبیتون قیاما علی اطرافهم رهبان بالیل اسد بالنهار.» [۲].

مردانی که سبک خوابند و در نماز، بسان زنبور عسل، زمزمه کنان.

امام، در سفر و حضر، جنگ و صلح یاران را به تعبد و تضرع سفارش می کند، تا مقصد فراموش نگردد و پیروزیهای پیاپی، آنان را به غفلت و غرور دچار نسازد. همواره پیروزی را از جانب خدا ببینند و مناجات و نماز را کلید نصرت او.

امام باقر علیه السلام می فرماید:

«حتی اذا صعد النجف قال لاصحابه؛ تعبدو لیلتکم فیبیتون بین راکع و ساجد یتضرعون الی الله.» [۳].

چون بر فراز نجف برآید، به یاران خطاب کند. امشب را به عبادت به روز آورید آنان برخی در رکوع و برخی در سجده شب را به سحر می رسانند و به درگاه خدا تضرع می کنند.

یا می فرماید:

«گویا، قائم و یارانش را در نجف اشرف می نگرم، توشه هایشان به پایان رسیده و لباسهایشان مندرس گشته است. جای سجده بر پیشانیشان نمایان است. شیران روزند و راهبان شب.» [۴].

پاورقی

[۱] «الزام الناصب»، شیخ علی یزدی حائری، ج ۲: ۲۰.

[۲] «بحارالانوار»، ج ۵۲: ۳۰۸.

[۳] «همان مدرک»، ج ۵۱: ۳۴۴.

[۴] «همان مدرک»، ج ۵۳: ۷.

حافظان حدود خدا

اسلام، دین مرزهاست و همه چیز در آن، قانون دارد. واجبات و محرمات

مرزهای دین خداینـد حرکت در مرز، حرکت در راه است و تجاوز از آن، بیراهه و گمراهی. یاران مهدی، مرزبان دین خدایند و حافظـان حـدود او. در اجرای فرمانهـای حق، سـخت و پی گیر و اســتوارند و در انجـام دســتورها و وظیفـه هـا، دستخوش احساسات و دوستیهای بی مورد واقع نمی شونـد. قـدرت و حشـمت آنان را مغرور نمی کنـد و سـنگدلی دشـمنان، ایشان را به افراط نمی کشاند. جنگهای مهیب و دشواری هایی نبرد، آنان را در عبادت سـهل انگار نمی کند و تهی دستی ایشان را به مال اندوزی و تجاوز وا نمی دارد. نخستین شرط بیعت امام با یاران، حافظت حدود خدا است.

علی علیه السلام می فرماید:

«یاران با این شـرائط با امامشان بیعت می کننـد که دست پاك باشـند و پاکدامن زبان به دشـنام نگشایند و خون کس، به ناحق نریزنـد. به سـکونت گاه مردم هجوم نبرند و کس را به ناحق نیازارند. بر مرکبهای ممتاز سوار نشوند و لباسـهای فاخر نپوشـند. مسجدی را خراب نکنند و بر مردم راه نبندند. به یتیم ستم روا ندارند و راهی را ناامن نکنند. شاهد باز نبوده و شراب ننوشند.

در امانت، خیانت نکرده و پیمان شـکن نباشـند. احتکار نکنند و پناهنده را نکشـند. فراریان را دنبال نکرده، مجروح را نکشـند. ساده بزیند و در راه خدا به شایستگی جهاد کنند.

امام نیز، متعهـد می شود، بسان همراهان زنـدگی کند، دربان و حاجت برای خود نگیرد. به اندك قانع باشد و به یاری خدا در راه استقرار عدالت بکوشد و خدا را به شایستگی عبادت کند.» [۱].

امام، بر رفتار کارگزاران خود و مواظبت آنان بر اجرای وظایف

خود نظارت دو چندان دارد. [۲].

بایـد چنین باشـد، زیرا ایجاد حکومت اسـلامی، در گرو حفظ حـدد خداست و ایجاد جامعه آرمانی، جز با تربیت اسـتوانه های پولادین ممکن نمی گردد. اگر کارگزاران نظام توحیدی، با فضـیلت باشـند و وظیفه شـناس، مردم نیز حرمت دین نگه دارند و پیاپیش بر کاروان عدالت راه گشایند. پیروزی حق و شکست باطل در گرو تعهد و پای مردی پرچمداران آن است.

پاورقی

[۱] «الملاحم والفتن»: ۱۴۹.

[۲] «منتخب الاثر»: ۳۱۱.

شجاعت

یاران مهـدی، دلیر مردنـد و جنگاوران میـدانها نبرد. دلهایی چون پولاد دارنـد و از انبوه دشـمن، هراسـی به دل راه نمی دهنـد. ایمان به هدف، همه وجودشان را تسـخیر کرده و عشق به خاندان پیامبر (ص) به بازوانشان قوت بخشـیده است. اراده جنگیدن، سرشار از شـجاعتی بی هماننـد، آنان را به رزمگاه می کشانـد. دل مردن دارنـد و عشق به شـهادت. عزت نفس و بلندی همت، آنان را از کوه بلند پایه تر کرده و هیبتشان را در سینه ستمکاران دو چندان. غیور مردانند و ترسویان و زبونان، در جمعشان راه ندارند.

مولایشان، انـدامی پهلوانانه دارد، سـینه ای سـتبر و بازوان پولادین و ورزیـده. [۱] یارانش قوت چهل مرد دارنـد. شـیران میدان رزمند و جانهایشان از خارا سنگ، محکم تر. [۲].

شجاعت بی بدلیشان، ترس را بر دلهای مستکبران چیره ساخته و پیشاپیش راه گریز پیش می گیرند.

امام باقر (ع) می فرماید:

«کانی انظر الیهم مصـعدین من نجف الکوفه ثلاث مائه و بضـعه عشـر رجلا کان قلوبهم زبرالحدید... یسـیر الرعب امامه شهرا و خلفه شهرا.» [۳].

گویا، آنان را می نگرم، سیصد و اندی مرد بر بلندای نجف کوفه ایستاده اند.

دلهایی چون پولاد دارند. در هر

سو، تا مسافت یک ماه راه، ترس بر دلهای دشمنان سایه می افکند.»

در سوار کاری و تیر اندازی بی نظیرند: «خیرالفوارس». در رزمگاه نشان شجاعان بر تن دارند و چونان پیامبر (ص) در نبرد بدر، نشانه ویژه بر سر نهاده اند. [۴].

دلیری، ویژه یاران برگزیده نیست، همه خدا جویان و مستضعفان از پدیدار شدن طلایه حق و عدالت قوی دل می گردند و حیاتی دوباره می یابند.

ترس را کنار می نهند و به صف رزم آوران می پیوندند.

پاورقی

[۱] «کشف الغمه فی معرفه الائمه»، علی بن عیسی اربلی، ج ۱۳: ۲۷۱دارالکتاب الاسلامی.

[۲] «خصال»، شیخ صدوق، ترجمه کمره ای، ج ۲: ۳۱۸. اسلامیه.

[۳] «بحارالانوار»، ج ۵۲: ۳۴۳.

[۴] «همان مدرک»: ۳۱۰.

فرمانبری

یاران امام، عاشقان مولای خودند و پاکبازان راه او. از وی چونان فرزندانی خلف، فرمان می برند و بهتر از بنده ای گوش به فرمان، از حضرت، پیروی می کنند. در انجام دستورهای وی، بر یکدیگر، پیشی می گیرند.

به فرموده پیامبر (ص):

«کدادون مجدون فی طاعته». [۱].

تلاش گر و کوشا در پیروی از اویند.

پیروی از امام، نه برخاسته از زور، که ناخالصان را به زور در ضیافت اهل وفا در نیاورند و در خلوت جوانمردان، ناپاکان حضور نیابند. بلکه عشق و علاقه قلبی به مهدی، آنان را به فرمانبری وا می دارد. بسان پروانه، به دور شمع وجودش، در گردشند. جاذبه سازنده و پر قدرتش، آنان را مجذوب کرده است. لبخند او را، جلوه رضای خدا و عتابش را تازیانه خشم خدا می شمرند. او، را بیش از هر کس، دوست می دارند و پیروی از او را،بدون قید و شرط، بر خود لازم می شمارند. یادگار پیامبر

را در میان دارند و از هر چه پیرامون او وجود دارد، نشان یار جسته و به آن تبرک می جویند.

«کان علی خیولهم العقبان، یتمسحون بسرج الامام یطلبون بذلک البرکه و یحفون به و یقونه بانفسهم فی الحروب و یکفونه ما یرید منهم. [۲].

سوارانی با نشان و پرچم، برای تبرک دست بر زین مرکب امام می سایند و درگرد امام در چرخشند. با جان و دل، او را در جنگها یاری کرده و آنچه طلب می کند. کفایت می کنند.

دوستان خدایند و خدا دوست. به جای ناشکیبایی بزدلان و راحت طلبان، یاریش می کنند و در برابر نافرمانی نمک ناشناسان، پاکبازان تسلیم اویند. [۳].

امام حسن عسکری (ع) در سخنانی که در آخرین روزهای عمر، به فرزند خود فرموده، از یاران مخلص مهدی یاد کرده و فرزند را با یاد آن مردان با وفا دلداری داده است:

«...روزی را می بینم که پرچمهای زرد و سفید در کنار کعبه، به اهتزاز در آمده، دستها برای بیعت تو، پی در پی صف کشیده اند. دوستان با صفا، کارها را چنان به نظم و ترتیب در آورده اند که همچون دانه های در گرانبها که در رشته ای قرار گیرند، شمع وجودت را احاطه کرده اند و دستهایشان برای بیعت تو، در کنار حجر الاسود. به هم می خورد. قومی به آستانه ات گرد آیند که خداوند آنان را از سرشتی پاک و ریشه ای پاکیزه و گرانبها آفریده است. دلهایشان از آلودگی نفاق و پلیدی شقاق پاکیزه است. به فرمانهای دینی فروتند و دلهایشان از کینه و دشمنی پیراسته، رخسارشان برای پذیرش حق آماده است و سیمایشان با

نور فضل و کمال آراسته. آیین حق را می پرستند و از اهل حق پیروی می کنند. [۴].

پاورقی

[۱] «عیون اخبار الرضا»، شیخ صدوق، ج ۱: ۶۳، طوس.

[۲] «بحارالانوار»، ج ۵۲: ۳۰۸.

[۳] «الغیبه»، نعمانی: ۳۱۶.

[۴] «بحارالانوار»، ج ۵۲: ۳۵.

ایثار و مواسات

از ویژگیهای بارز همراهان مهدی، ایثار و مواسات است. وحدت مقصد و اخلاص نیت، دلهایشان را با هم پیوند داده و یار و غمخوار یکدیگرند. آنان برای یکدیگر خود را به رنج افکنند و در بهره گیری از زیبایی های زندگی، دیگران را بر خود پیش دارند و باید چنین باشند آن کس که خود ساخته نباشد، نمی تواند سازندگی کند و آن که بر دوست خود، مهر نورزد، دیگران را شایسته ترحم نبیند. پیروزی پیامبر اسلام (ص) در گرو یاران ایثارگر و فداکار بود و همه قیامهای اصلاحگرانه تاریخ اسلام از چشمه مواسات بهره گرفت.

از آن سو، از عوامل خانه نشین شدن امامان، اندک بودن یاران موافق و فداکار بوده است. [۱].

برید عجلی نقل می کند:

«قیل لابی جعفر (ع) ان اصحابنا بالکوفه جماعه کثیره فلو امرتهم لاطاعوک واتبعوک؟ فقال: یجیئی احدهم الی کیس اخیه فیاخذ منه حاجته؟ فقال لا. قال: فهم بدمائهم ابخل، ثم قال: ان الناس فی هدنه نناکحم و نوارثهم و نقیم عیلهم الحدود و تودی اماناتهم حتی اذا قام القائم جاءت المزامله و یأتی الرجل الی کیس اخیه فیاخذ حاجته لایمنه.» [۲].

به امام باقر گفته شد: یارانمان در کوفه بسیارند. اگر فرمان دهی از تو اطاعت خواهند کرد. فرمود: چنان هستند که کس بدون اجازه برادر دینی، از مال او نیازمندی خود را بر طرف کند؟ گفت خیر.

فرمود: پس آنان که از بذل

مال دریغ کننـد، در نثار جان بخیل ترنـد. سـپس افزود: مردم در صـلح اند با آنان ازدواج کرده و از ایشان ارث بریم و برایشان اقـامه حـدود کرده و امانـات آنان را اداء کنیم. زمان قیام قائم دوران رفاقت فرا رسـد. مرد به سـراغ مال برادر رفته حاجت خود برگیرد و کس او را منع نکند.

در روایات، از یاران مهـدی علاوه بر تعبیر «مزامله» به رفقا، نیز نام برده شده اند، [۳] به معنای دوستان همدل و همراز، با لطف و صفا، دوستان بزم و رزم، دوستیشان، چنان محکم است که گویا برادران تنی اند. و همه شان از یک پدر و مادرند.

«کانما ربا هم اب واحد وام واحده قلوبهم مجتمعه بالمحبه و النصیحه.» [۴].

گویا یک پدر و مادر آنان را پروریده اند. دلهای آنان از محبت و خیر خواهی به یکدیگر آکنده است.

پاورقی

[۱] «اصول کافی»، کلینی، ج ۲: ۱۷۴.

[۲] «بحارالانوار»، ج ۵۲: ۳۷۲؛ «اختصاص»، شیخ مفید: ۲۴، چاپ شده در مصنفات شیخ مفید، ج ۱۲ کنگره هزاره شیخ مفید.

[۳] «ینابیع الموده»: ۴۳۳.

[۴] «الزام الناصب» ج ۲: ۲۰.

زهد و ساده زیستی

زهد و ساده زیستی، زینت کارگزاران مهدی است.

آرمـانش رسانـدن جـامعه به قله رفیع توحیـد و عـدالت است و خوش کـامی و نیـک بختـی را در آرامش دیگران می جوینـد. غذایشان ساده و لباسـشان بی پرایه است. زندگیشان از معیشت درویشان فراتر نمی رود. با دردهای جامعه آشـنا و رنجهای بشر در احساس لطیفشان، بازتاب دارد. نمی تواننـد تن به آسایش و شادکامی سـپارند و از احوال مردمان غافل شونـد و نام مصـلح جهان بر خویش نهند؛ چرا که آن که با عشرت طلبان همسو شود و

دل در گرو آز و طمع بندد، نمی تواند مروج دین باشد و کارگزاری شایسته برای حکومت عدل و داد. [۱].

امام صادق (ع) به کسانی که برای رسیدن به نان و نام در آرزوی حکومت اهل بیت بودند، می فرمود: «اینک، هنگام آرامش ماست. اگر به قدرت دست یابیم، همراهان ما زندگی دشوارتری از دیگران خواهند داشت. رسم کشور داری ایجاب خواهد کرد که پشتوانه درویشان و بینوایان باشیم. تواضع و فروتنی را پیشه سازیم و در ناگواری های روزگار شریک آنان باشیم، تا مردم از ما الگو گیرند و تلخی زمانه در کامشان گران نیاید. [۲].

امام صادق (ع) در برابر پافشاری دوستان برای قیام و شتاب در خروج قائم فرمود:

«ما تستعجلون به خروج القائم، فوالله ما لباسه الا الغیظ و لاطعامه الا الجشب و ما هو الا السیف و الموت تحت ظل السیف.» [۳].

چرا در خروج قائم شتاب می ورزید. به خدا سوگند، لباسش درشت و غذایش ناچیز است. زندگی در حکومت او، جنگیدن است و مرگ در سایه شمشیر.

ستمدیدگان جهان، آزادی خود را در دست آن پاکبازان دیده و از سراسر گیتی به یاریشان می شتابند. درستی گفتار و شعارشان را در کردارشان می جویند و در پی دیدن نشانه های اخلاص و صداقت به درگاهش سر می سپارند.

در حجاز، فرودستان و بینوایان در انتظار ظهور مهدی لحظه می شمارند [۴] و در سایر سرزمینها نیز، غیر مسلمانان برای رهایی از ستم بیدادگران، امام را می جویند به دست مهر او به آستان اسلام، پیشانی می سایند. [۵].

پاورقی

[۱] «نهج البلاغه»، کلمات قصار، شماره ۱۱۰.

[۲] «بحارالانوار»، ج ۵۲: ۳۴۰. برداشت از سخنان امام به

معلی بن خنیس.

[۳] «الغیبه»، نعمانی: ۲۳۳.

[۴] «بحارالانوار»، ج ۵۳: ۸۳.

[۵] «همان مدرک»: ۸۵.

نظم و انضباط

نظم در زندگی و کار، از ارزشهای انسانی و از رموز کامیابی است. انسانهای موفق. برنامه دارند و بر اساس اصول مشخص، حرکت می کنند. انقلابهای رهایی بخش و سازمان یافته، کمتر با شکست روبه رو می شوند. پیامبر اسلام، سمبل نظم بود. در زندگی شخصی، اوقات خود را تقسیم می کرد و عبادت و استراحت و روابط خانوادگی و اجتماعی حضرت، بر اساس نظمی روشن شده بود. [۱] علی (ع) نیز، با نظم بود و به هنگامی مرگ فرزندان و پیروان خود را به نظم در کارها سفارش فرمود. [۲].

یاران امام زمان نیز، دارای نظم و تشکیلاتی مناسب با حکومت جهانی اند. با این که روابط گرمی با مردم دارند، بسان پدر و فرزند، ولی کارها را بر اساس اصولی محکم و روشن پیش می برند و تشکیلاتی بر اساس معیارهای اسلامی در میانشان برقرار است.

از یاران امام برخی سمت نقابت و نمایندگی دارند. [۳].

دیگران، در اختیار این گروهند.

سپاهیان امام، لباس یکسان استفاده می کنند. نیروهای متحدالشکل و منظم مهدی، منظم ترین نیروهای رزمی جهانند.

علی (ع) آنان را این گونه می ستاید:

«کانی انظر الیهم و الزی واحد و القد واحد و الجمال واحد و اللباس واحد.» [۴].

گویا آنان را می نگرم، زی و هیأتی یکسان، قد و قامت برابر، در جمال و برازندگی همانند و هم لباسند.

در آغاز و انجام کارها، سازماندهی دارند و در بیعت با امام و دعوت به قیام و جهاد با دشمنان هماهنگ عمل می کنند. دوستانی با صفایند و کارها را ماهرانه به نظم و ردیف

در آورده اند و پیشاپیش، مقدمات حرکت را برای امام فراهم می کنند. [۵].

پاورقی

[۱] «عیون اخبار الرضا»، شیخ صدوق، ج ۱: ۳۱۷؛ «فتح الباری فی شرح صحیح بخاری» ابن حجر عسقلانی، ج ۸: ۱۱۸،دار الفکر، بیروت.

[۲] «نهج البلاغه»، نامه ۴۷.

[۳] «فروع کافی»، ج ۸: ۱۶۷.

[۴] «الملاحم و الفتن»: ۱۴۸.

[۵] «بحارالانوار»، ج ۵۲: ۳۵.

مخالفان مهدی علیه السلام

امام، دشمنان سخت گیر و کینه توزی نیز در برابر خواهد داشت. معارضاتی که در مقدمات نهضت اخلال می کنند و پس از پیروزی نیز. در نابودی آن خواهند کوشید.

کند و کاو درباره مخالفان، نشان می دهد سوای مستکبران بیدادگر که در سر لوحه قهر سپاه مهدی قرار دارند، بیشترین کارشکنیها، از جانب کسانی است که ادعای موافقت با امام دارند و خود را از منتظران مهدی می دانند. اینان، امام را نه به خاطر پیاده کردن اسلام اصیل، بلکه برای همراه کردن امام با آروزها و هوسهای خود می خواهند. پس از پیوستن به امام، چون کارها را بر وفق مراد خود نمی بینند و ناچارند از منافع نامشروع خود درگذرند. به توجیه اهداف خود روی می آورند و با سلاح دین و مذهب، به جنگ امام می روند که به فرموده امام صادق:

«چه بسیار از کسانی که ادعای پیروی او را دارند، ولی پس از ظهور حضرت، از او روی می گردانند.» [۱].

در این بخش، به برخی از این افراد و یا گروهها اشاره می کنیم.

پاورقی

[۱] «میزان الحکمه» ری شهری، ج ۱: ۲۹۲، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.

راحت طلبان

راحت طلبی ریشه در خود پرستی دارد و خودخواهی، منشاء همه مفاسد است. لذت طلبی حالتی را در انسان ایجاد می کند که همه معیارهای اعتقادی و اخلاقی او را دگرگون می سازد.

لـذت طلب، دین را به گونه ای توجیه می کند که با رفاه او در تزاحم نباشد. او بیشتر به دنبال آن دسته از احکام ساده و بدون دردسر است که دنیای او در خطر نیفتد. جمعی از مسلمانان مکه، پیش از هجرت به

مدینه، خدمت پیامبر رسیده ابراز می داشتند: مورد آزار دشمنانیم، اگر اجازه دهی با دشمنان می جنگیم.

پیامبر می فرمود: اکنون مأمور به مبارزه نیستیم. دست نگاه دارید. نماز بخوانید و زکات بدهید.

پس از هجرت به مدینه و ایجاد آرامشی نسبی در آن شهر، پس از آنکه دستور جهاد نازل گشت زبان به اعتراض گشودند که خدایا، چرا فرمان نبرد دادی و آن را مدتی به تأخیر نینداختی. قرآن، ریشه ترس و وحشت آنان را راحت طلبی می شمرد و مردم را نسبت به فرجام آن هشدار می دهد. [۱].

انقلاب جهانی امام زمان، بدون گذشتن از آتش و خون به پیروزی نمی رسد. در نبرد محرومان با مستکبران، برق تیغ بلا، ایمانها را به آزمایش در می آورد.

مومنان راستین پیشاپیش به استقبال رفته و خود را برای بلایا آماده می کنند، ولی راحت طلبان با دستاویز قرار دادن مذهب، در پس توجیه وضع و پایگاه خویش هستند. در دوران انتظار، بیش از همه چیز، در فکر زندگی خودند و انتظار را بیشتر در دعا و... می جویند.

از برابر آیات جهاد و امر به معروف و نهی از منکر و مبارزه با ستم، بی تفاوت می گذرند. این گروه نجات بشر و عمل به این گونه دستورها را مربوط به زمان ظهور می دانند و مبارزه در زمان غیبت را نامشروع می پندارند.

امام خمینی در طرز تفکر این گروه می گوید:

«می گویند: اگر حضرت صاحب، خودشان مقتضی می دانند، برای جهاد و مبارزه، تشریف بیاورند، من که دلم برای اسلام بیشتر از آن حضرت نسوخته است و حضرت هم که اینها را می بیند، خودشان بیایند، چرا

من این کار را بکنم.» [۲].

از برهان لطف، این نتیجه می گیرند که حضرت، نسبت به کساتیهای جامعه از ما داناتر است و تواناتر، تأخیر حضرت در ظهور، برخاسته از مصلحتی بوده و نیاز به اقدام ما نیست. با کند و کاو بیشتر در منطق و روش زندگی این گروه، متوجه می شویم که همه این گفته ها، پوششی است برای راحت طلبی و در واقع انحراف اخلاقی، سرمنشاء این عقاید است، نه بینش دینی و بصیرت اعتقادی و...

امام خمینی درباره اینان می گوید:

«از صدر اسلام تاکنون، دو طریقه، دو خط بوده است: یک خط، اشخاص راحت طلب که تمام همشان به این است که یک طعمه ای پیدا بکنند و بخورند و بخوابند و عبادت خدا را هم، آنهایی که مسلمان بودند می کردند. اما مقدم بر هر چیزی در نظر آنان، راحت طلبی بود.... از اول نهضت اسلامی، ما شاهد اشخاص که... راحت را بر هر چیزی مقدم می داشتند (بوده ایم) تکلیف را در این می دانستند که نمازی بخوانند و روزه ای بگیرند. [۳].

این گروه که در دوران غیبت، راحت طلبی سبب همدستی آنان با کفر و ستم شده است، به هنگام ظهور امام نیز، نمی توانند شیوه زندگی را تغییر دهند. برای ادامه زندگی، بدون دردسر و به دور از غوغا و مبارزه، با حضرت همراه نمی شوند. در پاسخ دعوت امام به جهاد با مستکبران، آیات تقیه را می خوانند. امام زمان در مقابله با توجیه های کژاندیشانه آنان به قرآن استدلال می کند و حق را بدون پرده آشکار می سازد و سرانجام، راحت طلبان را در ردیف

منافقان کیفر می دهد.

امام صادق می فرماید:

«انما جعلت التقیه لیحقن بها الدم. فاذا بلغت التقیه الدم فلا تقیه وایم الله لودعیتم لتنصرونا لقلتم لانفعل انما نتقی و لکانت التقیه احب الیکم من آبائکم و امهاتکم و لو قدقام القائم ما احتاج الی مسائلتکم عن ذلک و لاقام فی کثیر منکم من اهل الانفاق حدلله. [۴].

فلسفه تشریع تقیه، حفظ خونهاست. اگر تقیه، به مرز خون رسد. جای تقیه نیست. به خدای سوگند، اگر شما برای یاری ما دعوت شوید، خواهید گفت: ما در تقیه هستیم و نمی توانیم شما را یاری دهیم. همانا تقیه از پدران و مادران برایتان عزیزتر است. اگر قائم ما بپا خیزد، به یاوه گویی های شما گوش نخواهد داد و در حق بسیاری از شما مردم منافق، حدود خداوند را جاری خواهد ساخت.

پاورقی

[۱] تفسیر «قمی»، علی بن ابراهیم قمی، ج ۱: ۱۴۴. ذیل آیه ۷۱ سوره نساء.

[۲] «امام و روحانیت»، مجموعه دیدگاهها و سخنان امام درباره روحانیت: ۲۰۶، دفتر سیاسی سپاه پاسداران.

[۳] «صحیفه نور»، ج ۱۵: ۴۵.

[۴] «وسائل الشیعه»، شیخ حر عاملی، ج ۱۱: ۴۸۳،دار احیاء التراث العربی.

جمود اندیشان

از بامداد اسلام، ظاهر گرایان از مهم ترین موانع احیای دین و تحولات اجتماعی بوده اند، کسانی که به باطن و روح و هدف دین توجه نکرده و افق در کشان فراتر از پوست و قالب را نمی نگرد. دور بودن از واقعیت های عینی، آنان را کوته بین کرده و به خود محوری دچار. محدود بودن در کشان نسبت به دین، موجب می شود که در زمانهای حساس، تکلیف را نشاسند و به رویارویی پیامبر و امامان کشانده شوند.

در جریان نزول آیه

روزه و نماز مسافر، پیامبر در سفر، دستور افطار دادند و خود روزه گشودند، ولی گروهی که به خیال مقدس مآبانه خود، هر سختی ثواب دارد، به روزه ادامه دادند. پیامبر با آنان برخورد کرد و بدیشان لقب گناهکار داد. [۱].

وجود پیامبر و مخالفت صریح با این گروه، به آنان عرصه میدان داری نمی داد. پس از پیامبر، تفکر قشری و ظاهر بینی در لوای حراست از سنت و جماعت، در میان مردم رایج شد و رود نحله های گوناگون فکری به فرهنگ اسلامی، بویژه در دوران غیبت، آن را تشدید کرد. فرقه های گوناگون در عالم اسلام پیدا شد. ارباب مذاهب و فرق، به اسلام به عنوان دینی جامع و حیات بخش توجه نکردند و با یکسونگری به برخی از جوانب دین، زمینه ناتوانی سایر اجزاء آن را فراهم کردند.

عالم تشیع نیز، از این خوان بی نصیب نماند. غیبت امام و دور کردن شیعه از عرصه سیاست و اجتماع، سبب شد که حرکت اجتهاد بیشتر در حل مسائل فردی متمرکز شود و دستورات اسلام به عنوان یک سیستم اجتماعی و اقتصادی و... کمتر در کار تحقیق و تدریس قرار گیرد. [۲].

سایه انداختن تفکر اخباری گری بر افکار گروهی از علما مساله را تشدید کرد و سبب شد که نوعی جمود و گذشته گرایی در محافل علمی شیعه رسوخ کند. و مراکز فرهمگی آن، بویژه در سده های اخیر، در برخورد با مسائل نو ظهور کمتر واکنش مثبت نشان دهند. ریشه معارضه برخی از متدینین در برابر اندیشه های ناب امام امت را باید در گذشته گرایی و یکسو نگری در مسائل اسلام، جست و

جو کرد.

به هنگـام ظهور امام، تحجر در انـدیشه ها و رفتار اجتماعی، نه تنها از میان نرفته که در لفافه های نو ظهور جلوه های دیگر می یابد.

امام، احیاگر دین است در همه مسائل فکری و کاربردی اسـلام، به دگر گونیهای وسـیعی دست می زند و دسـتوراتی را که در طی روزگاران دراز، بر توده مردم پنهان مانده و مردم ناشیانه به آن عمل می کنند، آشکار می سازد. [۳].

حضـرت، برای ایجـاد عـدالت عمومی، اموال نامشـروع را مصـادره می کنـد، قطـایع و زمینهـایی که حکومتهـا به نـاروا به افراد واگـذار کرده اند، به بیت المال بر می گرداند. [۴] دست حرام خواران را از اموال عمومی کوتـاه می کنـد و نقبهای نامریی به بیت المال را مسدود می کند. [۵].

در اجرای عـدالت، تا آن جا پیش می رود که راه را بر افرادی که به زیارت مسـتحبی خانه خدا می روند بسـته و حج واجب را در اولویت قرار می دهد. [۶].

شیوه حرمسازی و مسـجد نمایی را نمی پسـندد و مساجد را از تزئینات غیر ضروری پاک می سازد. [۷] در حرم پیامبر و مسجد الحرام تغییرات مهمی را به اجراء می گـذارد. در قضـاوت، شـیوه داودی را پیش می گیرد و بـا معیارهـا و موازین نوینی که در اختیار دارد، کشف حقیقت می کند و تنها به شیوه قضایی گذشته، یعنی بینه و سوگند اکتفا نمی کند. [۸].

در تفسـیر قرآن، اسـرار پنهـانی و رموزی که بر مردم پنهـان مانـده را آشـکار ساخته و درهای حکمت و معرفت را بر مردم می گشاید. تأویل قرآن و مصادیق بارز و پنهان آیات آن را بر مردم آشکار

می سازد. [۹].

امام زمان، احکامی که پیامبر و امامان پیشین، به سبب نبودن شرایط، نتوانسته اند اجرا کنند، جاری می کند و اسلام را با همه شرایط و ویژگیها، در جهان حاکم می سازد.

تحولات مهم فرهنگی و اجتماعی و سیره امام در حکومت و قضاوت، با ذهنیتی که مردم از دین دارند و تحجر اندیشان القا کرده اند، جدید جلوه می کند و روش امام را با معتقدات خود بیگانه می بینند.

«اذا قام القائم استانف دعاء جدیدا کما دعاء رسول الله». [۱۰].

امام، نه مشرع است و نه دین ساز، بلکه جدید بودن روش حضرت در ارتباط با شناخت واژگونه مردم آن دوره از دین است، که کارهای امام را جدید جلوه می دهد، گویی دین جدید آورده است. گروهی که با اسلام اصیل بیگانه بوده و تنها بر ظواهر گذشته جمود دارند. روش امام را با سیرت نیاکان خود ناشناخته دیده، زبان به اعتراض می گشایند و با سلاح مذهب، به مقابله امام می شتابند.

گروهی که از فهم بطون و معانی بلند قرآن عاجزند، به ظواهر قرآن، علیه امام استشهاد می کنند و عده ای با استدلال به سیره ای از پیامبر که در خیال دارند، به تحولات اجتماعی و اقتصادی امام انتقاد می کنند.

امام زمان، در بیرون کردن این گروه از صحنه اجتماعی و افکار عمومی، پیش از جدش پیامبر به زحمت می افتد. پیامبر، با کافران بی پرده، رو به رو بود که از اعلان دشمنی ابایی نداشتند و آشکار با اسلام و پیامبر می جنگیدند. ولی این دسته از معارضان مهدی، پینه بر پیشانی دارند و در میان مردم، به زهد و

ورع مشهورند و با سلاح دین، به جنگ امام می روند. بی کمترین تردید، به تیر تکفیرش می زنند و با ایجاد شایعه و جنگ روانی افکار عمومی را علیه او بسیج می کنند.

امام صادق (ع) می فرماید:

«ان قائمنا اذا قام استقبل من جهله الناس مما استقبله رسول الله (ص) من جهال الجاهلیه».

«فقلت: و کیف ذاک».

«قال: ان رسول الله (ص) اتی الناس و هم یعبدون الحجاره و الصخور والعیدان والخشب المنحوته و ان قائمنا اذا قام اتی الناس و کلهم یتاول علیه کتاب الله و یحتج علیه به. ثم قال: اما والله لیدخلن علیهم عدل جوف بیوتهم کما یدخل الحر والقر». [۱۱] آزردگی هایی که مهدی ما از سوی نادانان روزگار خود متحمل می شود، بیش از زحماتی است که به پیامبر از جاهلان زمان خود وارد شده.

گفتم: و چگونه؟

فرمود: پیامبر در زمانی برانگیخته شد که مردم سنگ و درخت و چوب می پرستیدند. قائم، آن گاه که قیام کند، مردم علیه او قران را تاویل می کنند. به خدا سوگند، همانند سرما و گرما عدالت وارد سراهای آنان خواهد شد.

در قضیه ای، امام در جمع مردم سخن می گوید و حقایق را بر مردم آشکار می سازد، گروهی از مردم که تاب سخنان حضرت را نیاورده علیه امام خروج می کنند.

امام صادق (ع) می فرماید:

«انه اول قائم یقوم منا اهل البیت یحدثکم بحدیث لاتحتملونه فتخرجون علیه برمیله الدسکره فتقاتلونه فیقاتلکم فیقتلکم». [۱۲].

در وقت ظهور قائم ما، برایتان سخنانی گوید که تاب شنیدن آن را ندارید. علیه او در رمیله شورش خواهید کرد. او، با شما جنگیده و شما را نابود خواهد کرد.

خطاب امام به

شیعیان، «یحدثکم» نشانگر آن است که این گروه، از مخالفان امام، از شیعیان هستند و همگی، به دست امام از میان می روند.

پاورقی

[۱] تفسیر «نور الثقلین»،ج ۱: ۱۶۵.

[۲] «مجموعه آثار شهید صدر»، مقاله همراه با تحول اجتهاد: ۸، روزبه.

[۳] «ارشاد»، شیخ مفید، ج ۲: ۳۸۳.

[۴] «منتخب الاثر»: ۳۰۵.

[۵] «بحارالانوار»، ج ۵۲: ۳۳۸.

[۶] «فروع کافی»، ج ۴: ۴۲۷.

[۷] «الغیبه»، شیخ طوسی: ۴۷۳ - ۴۷۵، مؤ سسه معارف اسلامی، قم.

[۸] «کافی»، ج ۱: ۳۹۷.

[۹] «بحارالانوار»، ج ۵۲: ۳۶۴ - ۳۳۶.

[۱۰] «الغیبه»، نعمانی: ۳۲۲.

[۱۱] «همان مدرک»: ۲۹۷.

[۱۲] «بحار الانوار»، ج ۵۲: ۳۷۵.

کافران و منافقان

در طول تاریخ اسلام، افرادی از منافقان، با سوء استفاده از آزادیهای اسلامی، وارد مسلمانان شده و با تظاهر به شعائر اسلامی، از امکانات جامعه مسلمانان، استفاده کرده اند. مصالح اسلام، ایجاب می کرد پیامبر و ائمه، با آنان مدارا کنند و از درونشان پی جویی نکنند در حکومت مهدی نیز، این گونه افراد در صدد نفوذ در حکومت و جامعه اسلامی بر می آیند. منافقان، گاه تردستانه، تا سطح تصاحب مقامات عالی حکومت امام پیش می روند، ولی ذکاوت و قدرت امام جایی برای دست اندازی منافقان باقی نمی گذارد و شدیدا پاکسازی می شوند [۱] دو چهرگان که آینده خود را در خطر می بینند، با پخش شایعه و همکاری با گروههای معارض، دشمنی خود را آشکار می کنند. در مناطق مرزی، با دشمنان خارجی همدست می شوند و در مرکز خلافت، کوفه، آشکارا با امام می جنگند. حضرت، پس از درهم شکستن مقاومت مخالفان، پیروزمندانه وارد کوفه می شود و منافقان را در ردیف سایر فرقه های منحرف نافرمان، از میان بر می

دارد. [۲].

کفار نیز، که ادعای سرکردگی مردم جهان را داشته و نهضت آزادی بخش مهدی را مانع منافع ناروای خود می بینند، در برابر حضرت صف آرایی می کنند.

آنان، برای جلوگیری از مسلمان شدن مستضعفان و حاکمیت محرومان، نیرو تهیه کرده و با سپاهیان امام درگیر می شوند.

امام صادق می فرماید:

«اذا خرج القائم لم یبق مشرك بالله العظیم ولا کافر، الاکره خروجه» [۳].

مشرکان و کفار از قیام مهدی ناخشنودند.

دنیای کفر، با دستاویز قرار دادن کیش نصرانیت، با امام درگیر می شوند و به دشمنان امام، کمك می رسانند و به هنگام شکست، بدیشان پناه می دهند. [۴].

از برخی از روایات استفاده می شود، سفیانی، مهم ترین مخالف امام نیز، صلیب در گردن دارد. [۵].

امام، طی گفت و گوهای اعتقادی و سیاسی، معارضان غیر مسلمان را همراه خود می کند و مشرکان کینه ورز جنگ افروز را، شکست می دهد.

پاورقی

[۱] «همان مدرك»: ۳۳۸.

[۲] «همان مدرك»: ۳۳۸.

[۳] «البرهان فی تفسیر القرآن» محدث سید هاشم بحرانی، ج ۲: ۱۲۱، اسماعیلیان.

[۴] «بحار الانوار»، ج ۵۲: ۳۴۴.

[۵] «الغیبه»، شیخ طوسی: ۴۶۳.

شیوه برخورد امام با مخالفان

از مسائل نیازمند به بحث، روش برخورد امام با مخالفان است. جایگاه سایر ارباب مذاهب و مکاتب در حکومت امام کدام خواهد بود. به تعبیر دیگر مقصود از حکومت جهانی واحد که امام منادی آن است چیست؟ آیا وحدت دین مقصود است یا وحدت حکومت. در هر صورت، رفتار امام با اهل کتاب یا با دیگر مسلمانان غیر معتقد به مذهب امام چگونه است؟

مخالفان امام به چند دسته تقسیم می شوند.

مخالفان سیاسی و مذهبی مسلمان

در ذهن برخی از شیعیان، این اندیشه وجود دارد که در حکومت امام که مروج مسلک اهل بیت است، سایر ارباب مذاهب، جایی نخواهند داشت و همه آنان می بایست به ولایت علی (ع) گردن نهند. روش مهدی، با روش جدش، پیامبر و علی (ع) در برخورد با مخالفان متفاوت است. آنان، مأمور رحمت بودند و گذشت و مهدی، مأمور انتقام. اگر علی در برخورد با مخالفان مذهبی و سیاسی گذشت می کرد و از کردار افرادی مثل شورشیان بصره و یا خوارج می گذشت، بر اثر نبودن شرایط انتقام بود، ولی در حکومت مهدی، مانعی برای شدت عمل با مخالفان وجود ندارد. دلیلی که ممکن است برای این مطلب ارائه کرد، روایاتی است که دلالت دارد روش برخورد مهدی (ع) با مخالفان، با روش برخورد علی (ع) با مخالفان بصری تفاوت دارد.

در روایت معلی بن خنیس از امام صادق چنین آمده است:

«ایسیر القائم (ع) اذا قام بخلاف سیره علی (ع).»

«فقال: نعم و ذاک ان علیا سارىا لمن والکف لانه علم ان شیعته سیظهر علیهم من بعده و ان القائم اذا قام سار فیهم بالسیف... و ذلک لانه یعلم ان شیعته لم یظهر علیهم

من بعده ابدا.» [۱].

آیا روش قائم بر خلاف سیره علی (ع) است؟

فرمود: بلی. علی بعد از دست یافتن بر مخالفان، آنان را بخشید، چون می دانست دشمنان، پس از او بر شیعیانش مسلط خواهند شد. ولی قائم، با مخالفان با شمشیر روبه رو می شود، چون می داند دشمنان هرگز بر پیروان او، مسلط نخواهند شد.

این روایت و مانند آن، تا چه حد دلالت بر مقصود دارند؟

مروری بر روایات سیره مهدی (ع)، نشان می دهد، در نظام آن حضرت، آزادی مذهب وجود دارد و مسلمانی به جرم داشتن عقیده مخالف، مجازات نمی شود و خالفان مذهبی، حق اظهار عقیده دارند، به چند دلیل:

۱. در هیچ روایتی از منابع شیعی چنین مطلبی نقل نشده است که مهدی (ع) مخالفان را به ترک مذهب و پذیرش ولایت علی (ع) وا می دارد. تنها در مواردی که از شدت عمل سخن به میان آمده، بر خورد با ناصبیها و معاندان اهل بیت است [۲] و بس. و ناصب، نه هر مخالف و غیر موافق عقیده و مسلک اهل بیت، کسی است که دشمنی با علی و دیگر امام (ع) را در سینه پرورانده و از اظهار سب و دشمنی ابائی ندارد و در فقه شیعه، سب علی و ائمه، حکم سب پیامبر را دارد.

۲. امام، در همه مراحل دعوت و فعالیت، به تبیین اهداف و علل اقدامات خود می پردازند و جواب و نقطه ابهامی را برای مردم باقی نمی گذارد. مخالفان سیاسی و مذهبی، با استفاده از جو آرامی که امام ایجاد می کند، به بیان مواضع خود می پردازند و جواب می شنوند. از جمله، در

منزل ثعلبیه، یکی از بزرگان بنی هاشم، به سیره امام انتقاد می کند و خواهان دلیل شرعی برای آن می شود.

امام، بر خلاف برخی از مأموران که خواهان شدت عمل با این گونه انتقاد گرانند، به آرامی پاسخ می دهد و با استدلال های مستند به سیره پیامبر، او را با خود همراه می سازد. [۳].

۳. امام، تنها با مخالفان مذهبی و سیاسی که مسلحانه علیه امام و برنامه هایشان بپا خیزند، بر خوردی قهرآمیز دارد. در مورد آنان نیز، از جاده انصاف بیرون نمی رود و با آنان مدارا می کند. حضرت، پیشاپیش با مخالفان اتمام حجت می کند و به قرآن و سنت پیامبر، با ایشان به گفت و گو می نشیند. در مواردی که دشمن، کینه خود را آشکار می سازد و، جنگ را می آغازد و دست به خون یاران مهدی می آلاید، امام دستور مقابله می دهد. [۴].

اما در پاسخ آنان که به این روایت استدلال کرده اند باید گفت: «امام، روش علی (ع) را در مقابله با شورشیان بصره، در پیش ندارد» اولا، روایت در مورد مخالفان نظامی و پیمان شکنان است، نه مطلق مخالفت. و این حق به امام داده شده است که برای شکستن شوکت مخالفان و جلوگیری از اجتماع دوباره آنان، فراریان را تعقیب کند و مجرمان را مجازات، چنانکه شیوه علی (ع)، در نبرد صفین بر آن بود. [۵].

ثانیا، روایت بر فرض درستی سند معارض است با سخن دیگری از امام صادق که می فرماید:

«و ینادی منادیه الا لاتتبعوا مولیا ولا تجهزوا علی جریح و یسیر بهم کماسار علی (ع) یوم البصره.»» [۶].

منادی امام، فریاد

بر می دارد فراریان را تعقیب نکنند و مجروحی را نکشند. بمانند روش علی (ع) با بصریان، با آنان رو به رو می شود.

در مورد دیگر، امام برای دعوت مسلمانان مکه نماینده ای می فرستد، فرستاده حضرت، برای آنان سخن می گوید و به کتاب خدا و سنت پیامبر احتجاج می کند. گروهی از مخالفان، در کنار کعبه او را می کشند. امام، خود به مکه می آید برای آگاهی بیشتر مردم، به تفصیل بر ایشان سخن می گوید و بر کتاب خدا و سنت پیامبر از آنان بیعت می گیرد و متعرض کس نمی شود.[۷].

در روایت دیگر، حضرت پس از آمدن به مکه، تنها کشندگان فرستاده خود را مجازات می کند و چیزی بر آن نمی افزاید.[۸].

این روایتها، نشاندهنده نرمش و عفو و رحمت امام در برخورد با مخالفان مذهبی و معتقدان به دیگر مذاهب است.

پاورقی

[۱] «الغیبه» نعمانی: ۲۳۲.

[۲] «فروع کافی»، ج ۸: ۲۲۷، دارالتعارف، بیروت.

[۳] «بحارالانوار»، ج ۵۲: ۳۴۳.

[۴] «همان مدرک»: ۳۸۷.

[۵] «وسائل الشیعه»، شیخ حر عاملی، ج ۱۱: ۵۵ - ۵۶.

[۶] «بحار الانوار»، ج ۵۲: ۳۸۸.

[۷] «همان مدرک»: ۳۰۷.

[۸] «همان مدرک»، ۳۰۸.

اهل کتاب

از برخی روایات استفاده می شود: حکومت امام، شرق و غرب را فرا می گیرد و همه غیر مسلمانان می بایست مسلمان شوند و گرنه از میان خواهند رفت. امام کاظم (ع) نقل شده است:

«... وله اسلم من فی السموات والارض طوعا و کرها».

«قال انزلت فی القائم. اذا خرج بالیهود والنصاری و الصابئین والزنادقه و اهل الرده و الکفار فی شرق الارض و غربها. فعرض

عليهم الاسلام. فمن اسلم طوعا امره بالصلوه والزكاه و مايومر به المسلم

و یجب لله علیه و من لم یسلم ضرب عنقه حتی لایبقی فی المشارق و المغارب احد الا وحد الله... ولا یقبل صاحب هذا الامر الجزیه کما قبلها رسول الله...»» [۱].

همه اهل آسمانها و زمین، به رغبت یا جبر، تسلیم اویند.

امام فرمود: آیه، درباره قائم نازل شده است. در وقت ظهور، بر یهود و ترسایان و صابئین و زندیقان و مرتدان و کافران شرق و غرب زمین، اسلام عرضه می شود.

هر کس مسلمان شد، می باید نماز و روزه و سایر واجبات را به جای آورد و هرکس اباورزید کشته می شود. تا در روی زمین همه موحد باشند... صاحب این امر، مثل پیامبر، جزیه نمی پذیرد.

این روایت، به قرینه ظهور آیه کریمه لیظهره علی الدین کله [۲] دلالت دارد که در وقت ظهور امام زمان، همه اهل زمین می بایست مسلمان شوند و در آن وقت، جزیه ای که در زمان پیامبر (ص) میان حکومت اسلام و اهل کتاب بر قرار بود وجود ندارد.

ولی در برابر، دلائل محکم تری وجود دارد که این برداشت از آیه و روایت را سست می کند.

۱. روایات مستفیض وجود دارد که سیره امام بر اساس کتاب و سنت است. و هدف آن حضرت، احیای قوانین قرآن و روش پیامبر خواهد بود. [۳] و گرفتن جزیه، از مقررات اسلامی و بر اساس قرآن و سنت پیامبر است.

۲. روایت عیاشی بر اکراه اهل کتاب بر اسلام و نیز سایر روایات در این باب، مستند نیستند امین الاسلام طبرسی، در اعلام الوری در پاسخ اشکالاتی که بر سیره امام شده: امام از اهل کتاب جزیه نمی پذیرد، یا جوان بیست ساله

نا آشنای با دین را می کشد و... می نویسد:

«انا لا نعرف ما تضمنه السئوال من انه (ع) لا یقبل الجزیه من اهل الکتاب و انه یقتل من بلغ العشرین ولم یتفقه فی الدین فان کان ورد بذلک خبر فهو غیر مقطوع به» [۴].

آنچه سؤ ال در بر دارد مثل این که امام، جزیه از اهل کتاب نمی پذیرد و جوان بیست ساله دین ناآشنا را می کشد، ما ماخذی برای آن نمی شناسیم.

اگر خبری نیز در این باره وارد شده باشد مقطوع نیست.

۳. برخی گزارشهای مکرر حکایت دارد که امام، با سپاهیان رومی که کیش نصارا دارند صلح می کند. [۵] در روایت ابی بصیر تصریح شده است که امام زمان، مثل پیامبر (ص) با اهل کتاب قرار داد جزیه امضا می کند:

«قلت: فما یکون من اهل الجزیه عنده؟ قال: یسالمهم کما سالمهم رسول الله ویودون الجزیه.» [۶].

از امام صادق پرسیدم: سرنوشت اهل کتاب در دولت مهدی چگونه است.

فرمود: بسان پیامبر از آنان جزیه خواهد گرفت.

این روایت، با روایت ابن بکیر معارض است و در صورت ناتمام بودن سند و آن و کنار گذاشتن هر دو، مرجع عمومات کتاب و سنت است.

۴. در متون عامه روایتی از پیامبر نقل شده است:

«والذی نفسی بیده لیوشکن ان ینزل فیکم ابن مریم حکما عدلا یکسر الصلیب و یقتل الخنزیر و یضع الجزیه فیفیض المال حتی لایقبله احد. [۷].

به زودی، عیسی در میان شما نازل شده، به عدالت حکم می کند. صلیب را می شکند، خوک را می کشد، جزیه را بر می دارد. مال چنان فراوان می شود که کسی نمی پذیرد.

عموم محدثان عامه و برخی

از محدثان خاصه، از این روایت استفاده کرده اند که مقصود از برداشتن جزیه از اهل کتاب به روزگار مهدی (ع) وادار کردن آنان به اسلام است.

بغوی از محدثان عامه، در شرح حدیث این معنی را تقویت کرده است. [۸].

ولی، از ذیل روایت این معنی استفاده می شود که مال، چنان فراوان شود عیسی و نماز خواندن آن حضرت در پی امام [۹]، چنان که در روایات آمده و نیز احتجاج امام با یهودیان و نصارا، حقانیت دین اسلام را بر همه جهانیان اثبات خواهد کرد و همگی از دل و جان مسلمان خواهند شد. در آن صورت، موردی برای جزیه باقی نخواهد ماند سید صدرالدین صدر، پس از ذکر روایت، همین معنی را استفاده کرده است. [۱۰].

اینها شواهدی هستند که دلالت دارند، امام زمان، پیروان ادیان آسمانی را مجبور به ترک دین نیم کند و اگر آنان مسلمان می شوند، از روی رغبت و مشاهده اسلام ناب و فرود آمدن عیسی (ع) است.

پس مقصود از آیه «لیظهر علی الدین کله» حکومت جهانی واحد است، نه وحدت دین.

شاید از عموم آن استفاده کنیم که بر کافران، در آن روزگار، اتمام حجت می شود و الحاد و شرک، ریشه کن خواهد شد و همه باز دارنده های پیشرفت اسلام، از میان خواهد رفت و تمام مردم جهان سر به فرمان دستورهای ولی عصر خواهند بود.

پاورقی

[۱] «همان مدرک»: ۳۴۰ به نقل از تفسیر عیاشی.

[۲] سوره «توبه»، آیه ۳۳.

[۳] «ارشاد»، ج ۲: ۳۸۳.

[۴] «اعلام الوری باعلام الهدی»، امین الاسلام طبرسی: ۴۴۵، دارالمعرفه، بیروت.

[۵] «بحار الانوار»، ج ۵۲: ۳۳۷.

[۶] «همان مدرک»: ۳۷۶.

[۷] «همان مدرک»: ۳۸۳، به نقل از شرح

السنه بغوی.

[۸] «همان مدرک»: ۳۸۳، به نقل از شرح السنه بغوی.

[۹] «عصر الظهور» علی کورانی: ۳۰۶، انتشارات تبلیغات اسلامی، قم.

[۱۰] «المهدی»، آیه الله سید صدرالدین صدر: ۲۳۶، دارالزهراء.

مستکبران

مستکبران و مفسدان، دشمنان اصلی امام هستند. و سپاه سلحشور امام، با آنان به شدت برخورد می کند و زمین را از لوث وجودشان پاک خواهد ساخت.

اینها، اشارتهایی بود به ویژگیهای موافقان و مخالفان مهدی.

روشن شد، یاران امام مؤمنان راستین و انسانهای وارسته ای هستند که در همه کمالات انسانی و اسلامی سر آمد مردمان روزگار خویش هستند و از پیش، خود را برای همکاری با امام آماده کرده اند دشمنان حضرت، جاهلان بی بصیرتند که مشعل داران تحجرند و با فهم وارونه از دین و یا ضعفهای اخلاقی، آلت دست دشمنان حضرت واقع می شوند و به همراهی منافقان و مشرکان خودخواه، با امام درگیر می شوند.

کسانی می توانند در رکابش شمشیر بزنند که اسلام را در همه زوایای زندگی، تجسم بخشند و به روزگار انتظار، زمینه قیام را فراهم آورند که نزدیک شدن به ولی عصر، با تقربی معنوی امکان دارد و امام، به هنگام فراهم آمدن شرایط و وجود یاران توانا و شایسته ظهور خواهد کرد. هر چه شمار مؤمنان مخلص افزایش یابد، جامعه و زمان به امام نزدیک تر می شود. آن کس که دعوی انتظار دارد، ولی پاکباز نیست، نه تنها توفیق یاوری را پیدا نمی کند که بر امام راه خواهد بست و جامعه ای که اندیشه ها و ارزشهای الهی را در خود جای نداده و در آتش ستم و اختلاف می سوزد، نمی تواند مردان کارساز پرورش دهد. مرحوم

سید بن طاووس در وصیتی مفصل به فرزندش می نویسد:

«ای فرزنـد، ای محمـد، ترا و برادرت را و هر کس را که این کتاب را بخواند، به آشتی و درستی در معامله با خدای عزوجل و رسول او (ص) و حفظ و رعایت فرمان خـدا و رسول که درباره ظهور مولای ما مهـدی (ع) بیان فرموده اند و بشارت داده اند، سفـارش می کنم، چه قول و عمـل بسـیاری از مردم از نظرهـای فراوان با عقیـده آنان مخالف است. مثلا بارها دیـده ام که اگر بنـده ای یا اسبی یا درهم و دیناری از آنان گم شود، سـراپا متوجه آنان می شونـد و برای یافتن، نهایت کوشـش را به عمل می آورند، اما ندیده ام که کسـی برای تأخیر ظهور آن حضـرت و عقب افتادن اسلام و تقویت ایمان مسلمانان و قطع ریشه کافران و سـتمکاران به اندازه دلبسـتگی به این امور ناچیز دلبسته باشد و به اندازه ای که برای از دست دادن این اشیاء متأثر می گردد، متأثر باشـد. پس چنین کسـانی چگـونه مـدعی آننـد که به حق عارفنـد و به رسول او واقف و به امـامت آن حضـرت معتقـد و چگونه ادعای دوستی آن بزرگوار می کنند و درباره چگونگی های والای او به مبالغه می پردازند» [۱].

پاورقی

[۱] «کشف المحجه»، سید بن طاووس، ترجمه دکتر اسدالله مبشری، ۲۲۶، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِی الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹